

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

گزارش: یلنا گروموا - دمشق

برگردان متن و تأملات از: ا. م. شیری

۰۲ سپتمبر ۲۰۱۲

کشتار در قبرستان

تروریستها مراسم تدفین را منفجر کردند. ابتداء مبارزان دروغین «آزادی»، با کشتار انسانها، نزدیکان آنها را عذاب کردند و سپس، حتی به اقوام و نزدیکان کشته شدگان که برای دفن آنها به قبرستان آمده بودند، اجازه وداع با مقتولان را ندادند. البته که این خشونت نامیده نمی شود. این، مبارزه برای دموکراسی نام دارد...

۲۸ ماه اگست «مخالفان» سوریه در نزدیکی قبرستان جرومانی در حومه دمشق به عملیات تروریستی در مراسم تدفین کشته شدگان دست زدند. جرم شرکت کنندگان مراسم تدفین در مقابل «دموکراسی سازان» فقط این بود که آنها برای بدرقه نزدیکان و عزیزان کشته شده خود در اثر انفجار روز گذشته به دست «مخالفان» به آخرین منزل، جمع شده بودند. جزای این جرم در نزد «مبارزان علیه دیکتاتور» مرگ است...

آری! انفجار در قبرستان، سکوت مرسوم در آرامگاه مردگان را در هم شکست و به قتلگاه کشته شدگان جدید تبدیل گردید.

در جریان این عمل تروریستی ۱۲ نفر جان باختند. نزدیک به ۵۰ نفر نیز مجروح شدند. حال بسیاری از مجروحان وخیم است. احتمال افزایش تلفات زیاد است. به خاطر پیروزی شبه انقلابیون، به خاطر منافع آنهایی که در پشت این توحش و قتلهای وحشیانه ایستاده اند، باز هم بر شمار قبرها افزوده می شود.

کشتار می کنند و اجازه دفن مقولین را هم نمی دهند. مردم را منفجر می کنند و نمی گذارند عزاداری کنند.

من از غرب متمدن می پرسم: جرم این مردم که همینطوری هم در ماتم عزیزان خود غرق بودند، چه بود؟ چرا شما از عوامل این جنایت حمایت می کنید؟ آیا به اعمال تروریستی باندها و منفجرکنندگان، دست نشانندگان خودتان اذعان می کنید؟ شما از به رسمیت شناختن انفجار رویداده در مقابل هتل محل اقامت ناظران سازمان ملل متحد به عنوان یک عمل تروریستی خودداری کردید. خوشبختانه در این حادثه هیچ کس کشته نشد، فقط تعدادی مجروح شدند. اینک ۱۲ نفر به دست افراد به تعبیر شما «مبارزان راه آزادی»، اما در واقع مبارزان راه آزادی از شرافت و وجدان، آزادی از قانون، آزادی از خود زندگی، بر زمین افتادند...

این، خشونت است ناتوان. این، هیولای در انتظار مرگ است که سعی می کند بیگناهان هر چه بیشتری را همراه خود به گور ببرد. پشت شورشیان را در حلب به خاک مالیدند. باند مخفی آنها نتوانست دمشق را اشغال کند. باندهای نه تنها تا دندان، بلکه تا نوک ناخن مسلح آنها در حمص تقریباً نابود شده و بقایای آنها را ارتش محاصره کرده است. اکنون از آنها چندان خوب، مثل سابق حفاظت نمی کنند. فقط می خواهند با انفجار مراسم تدفین، بیگناهان بیشتری را بکشند...

همان روز، عمل تروریستی دیگری، باز هم علیه مردم بی دفاع به وقوع پیوست. مزدوران مواد منفجره دست ساز را به زیر اتوموبیل چسباندند. در نتیجه انفجار آن، صاحب اتوموبیل، همسر و دخترش آسیب دیدند. «مخالفان» با زنان و کودکان می جنگند.

۲۶ اگست، تروریستها یک ساختمان مسکونی را در حوالی میدان عباس الدین واقع در نزدیکی مرکز دمشق با نارنجک اندازها مورد هدف قرار دادند. دو نفر کشته و چند نفر هم زخمی شدند. اما رسانه های وابسته به «دموکراتها»، ارتش سوریه را به تیراندازی به اماکن مسکونی متهم می کنند. در صورتی که ارتش تا آخرین لحظه، تا خروج آخرین ساکن محلاتی که تروریستها در آنجاها موضع گرفته اند و همچنین با به مخاطره انداختن زندگی سربازان خود در کمک رسانی به ساکنان برای ترک محل، منتظر می ماند. ارتش عملیات خود علیه شورشیان را تا زمانی که زندگی شهروندان عادی در خطر باشند، آغاز نمی کند.

شورشیان از هیچ عمل شنیعی فروگذاری نمی کنند. به مناطق مسکونی شهروندان عادی حمله می برند، آدم می دزدند، مراسم تدفین را منفجر می سازند. به خاطر چه چیز؟ خوب، آن دمکراسی که اجازه دفن کشته شدگان را نمی دهد، چه ارزشی دارد؟ در راه خدا؟ خُب، هیچ یک از ادیان کشتن انسانهای بیگناه را جایز نمی داند. غیر از این، من الزاماً مساجد بسیاری را دیده ام که هدف حمله تروریستها واقع شده اند و حتی در یکی از آنها، قرآن های سوخته را دیدم که در یکی از صفحات نیم سوخته قرآن، عبارت «خدا هرگز به خائنان کمک نخواهد کرد»، به راحتی خوانده می شد.

نه! همه اینها به نام منافع کیسه های پول کشورهای غربی و عربی خلیج، به نام پروژه هیولائی تقسیم مجدد جهان به وقوع می پیوندد. اما، آقایان شما به کشوری حمله کرده اید که می تواند جواب سختی به شما بدهد! و این برنامه شما هم برای رفتن به گورستان تاریخ محکوم شده است.

تأملات مترجم:

وقتی صحبت از بحران ساختاری سرمایه داری به میان می آید، بسیاریها فقط بحران مالی- اقتصادی را از آن می فهمند. این درست نیست. بحران تمام عرصه های نظام را در هم کوبیده است. جنگهای استعماری به خصوص دو دهه اخیر، اظهارات، موضعگیریها، اعمال و رفتار کارگزاران و گماشتگان سرمایه همه حکایت از آن دارند، که سرمایه داری نوکران خود را به بحران روحی- روانی، به جنون و مالیخولیا، به بحران عقلی، فکری و حتی اخلاقی مبتلا ساخته است. این درست است که دروغ و ریاکاری، بیشمرمی و گستاخی، جنایت و وحشیگری جزو خصایل و ماهیت ذاتی نظام بی نظم سرمایه داری و مزدبگیران آن می باشد ولی، در سالهای اخیر آنها همه مرزهای خود نظام را هم زیر پا گذاشتند و کارشان به حد اعلا لومپنیسم و اوباشگری رسید.

هر انسان خردمندی بر این تصور بود که بعد جنایات هولناک غرب در یوگسلاوی، افغانستان، عراق، سومالی، سودان... و به ویژه، در لیبیا، هر کدام از کارگزاران سرمایه که به اندازه یک پر مگس از شرف و انسانیت در

ضمیرش باقی مانده باشد، دیگر مرتکب جنایت نخواهد شد و به سوراخی خواهد خزید و مثل هیتلر خودکشی خواهد کرد. ولی، هیچ کدام از آنها نه تنها چنین نکردند، بلکه، هارتر و گستاخ تر از قبل هم شدند. به اظهارات و تهدیدات مستمر فرماندهان «انقلاب و انقلابیون سوریه»، مثل اوباما، اولاند، کامرون، هیگ، مک کین، اردوغان، امیر قطر، شیخ الشیوخ عربستان، مورسی و نتان یاهو، خانم هیلری و دیگران به ضد مردم و مقامات سوریه، به چنگ و دندان نشان دادن آنها به دیگران توجه کنید! چه سنجیتی با منطق و عقلانیت و سلامت روحی- روانی دارد؟ به گمانم با بهره گیری از نتایج معاینات و آزمایشات روانپزشکان، روانکاوان و روانشناسان اجتماعی، می توان گفت: بحران ساختاری سرمایه داری، یعنی هم آن و هم این. هم مالی- اقتصادی، اجتماعی- سیاسی و هم به تبع آنها، روحی- روانی- عقلی و همه اش.

<http://www.sovross.ru/modules.php?name=News&file=article&sid=591734>

۱۱ شهریور (سنبله) ۱۳۹۱

افزوده پورتال:

با آن که در اساس با طرح بحران اخلاقی در نظامات سرمایه داری باید با دقت بیشتر برخورد نمود و نباید برخی از تبارزات علنی جنایت را در اعمال مدافعان سرمایه به مثابه نمودی از بحران دانست، بلکه می باید آن را بخش متبازر ذات و ماهیت چنین نظامهایی به حساب آورد، در سطح عام هرگاه از چنان بحرانهایی نام برده شود، شاید بتوان آنها را توجیه نمود، مگر آنچه مسلم است و نباید هیچ گاهی از دیده فرو گذاشته شود، تشبیه اعمال جنایتکارانه مدافعان سرمایه است به نوعی جنون و یا روان پریشی.

ما را عقیده بر آن است که با تمام نفرتی که ممکن است نویسنده بخواهد به وسیله کلماتی از سنخ جنون، مریضی روانی، روان پریشی علیه آن جنایتکاران به کار ببرد، چنان کلماتی در نهایت به نحوی، از آنها مریضهای روانی را به نمایش گذاشته، اصل نظام را که فقط می تواند برپایه های جنایت و کشتار دوام نماید، از دیده مخفی می نماید.

اداره پورتال AA-AA